



## در باره ترهات خامنه ای بمناسبت "روز زن اسلامی"

سیاوش دانشور

اظهارات اخیر خامنه ای و رفسنجانی و روحانی در باره موقعیت زن در جامعه در مناسبت "روز زن اسلامی"، برای هزارمین بار نشان داد که زن در جمهوری اسلامی برده است، انسان محسوب نمیشود، حقوق برابر ندارد، و باید تحت نظام آپارتاید جنسی و اسلامی زندگی کند.

صفحه 3



## درسی که از مردم آزادخواه مهاباد باید گرفت!

نوشین قادری

هلاله مجد زاده محکوم به اعدام آزاد شد و مردم امروز زندگی اش را تامین کردند گفتگوی نوشین قادری با یک منبع مطلع در خصوص آزادی هلاله ، زندانی محکوم به اعدام در شهر مهاباد.

صفحه 4



## بیانیه "هم اندیشی زنان برای طرح معیار انتخاب وزرای آینده"

آب در هاون کوبیدن یا توهم پراکنی!

آذر ماجدی

گزارش شده است که ۳۵۰ تن از کنشگران ملی - اسلامی جنبش حقوق زن یک بیانیه تنظیم و منتشر کرده اند که حاوی ۷ خواست است؛ این بیانیه خطاب به روحانی نوشته شده است.

صفحه 6

## پیام آذر ماجدی بمناسبت اول ماه مه اول ماه مه روز آزادیخواهی و برابری طلبی!

اول ماه مه روز جهانی کارگر در پیش است. اول ماه مه روز نمایش قدرت جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی است. روز برافراشتن پرچم یک دنیای بهتر و اعلام تعهد به تلاش و مبارزه برای تحقق این دنیای بهتر، دنیایی فارغ از ستم و استثمار، سرکوب و تبعیض و فقر و فلاکت است. در این روز دو کمپ آزادیخواهی و سرکوب، برابری طلبی و ارتجاع در مقابل هم صف آرایی میکنند. به این نمایش قدرت بپیوندیم و عزم خود را برای ساختن جهانی فارغ از فقر، استثمار، ستم و تبعیض اعلام کنیم.

اول ماه مه روز جهانی کارگر است اما صرفاً روز کارگران نیست. این روز، روز کلیه انسان های آزادیخواه، برابری طلب و عدالت جو است. این روز، روز گرد آمدن و همبستگی کلیه جنبش های آزادیخواه و برابری طلب است. اول ماه مه به یک سنت پایدار و جهانی بدل شده است و بعنوان سمبل آزادی و برابری در سراسر جهان شناخته شده است.

کارگران!

طبقه کارگر ایران اکنون 35 سال است که در کشمکش با رژیم اسلامی

صفحه 2

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!

## پیام آذر ماجدی بمناسبت اول ماه مه اول ماه مه روز آزادیخواهی و برابری طلبی...

سرمایه این روز را به اشکال مختلف گرامی میدارد. رژیم اسلامی در ابتدا به قصد انکار این روز جهانی، روز کارگر دیگری را علم کرد. همانگونه که در انکار 8 مارس، روز جهانی زن، تولد فاطمه زهرا را بعنوان روز اسلامی زن اعلام کرد. این تاکتیک در هر دو مورد شکست خورد. لذا خانه کارگر، این لانه جاسوسی رژیم در جنبش کارگری، دست بکار سازماندهی مراسم اول ماه مه فرمایشی شد. کارگران این روزهای فرمایشی را به نمایشی در استیضاح و استهزا رژیم اسلامی سرمایه بدل کردند. اعتراض بحق خود را به این نمایشگاه های فرمایشی بردند. سردمداران رژیم، از جمله رفسنجانی را از نیمه راه شرکت در مراسم پشیمان کردند، و مراسم را به اقتضای برای رژیم بدل کردند.

سازمان آزادی زن اول ماه مه را به طبقه کارگر و کلیه انسان های آزادیخواه و برابری طلب تبریک میگوید.

زنده باد اول ماه مه!

زنده باد آزادی و برابری!

ستم بر زن موقوف!

نه به حجاب!

نه به آپارتاید جنسی!

سازمان آزادی زن

20 آوریل 2014

به میزانی که توازن قوا به نفع مردم و جنبش کارگری چرخیده است، جنبش کارگری اول ماه مه باشکوه تری را برگزار کرده است. در سالهای اخیر جنبش کمونیسم کارگری در اول ماه مه بروز روشن و برجسته ای یافته است. نه به سرمایه داری با صراحت کامل در قطعنامه ها و شعارها اعلام میشود. از شواهد چنین برمی آید که امسال نیز ما شاهد یک اول ماه مه باشکوه و رادیکال خواهیم بود.

فعالین آزادی زن!

کلیه انسان های آزادیخواه و برابری طلب باید در این جشن

## تلویزیون آزادی زن

هر یکشنبه ساعت ۳۰، ۱۸ بوقت تهران از شبکه هات برد

KMTV، مگهرتز: 11642 سیمبل ریت: 27500

اسلام ضد زن است!

سرکوبگرانه نمیتوانند حتی حجاب را برسر زنان نگهدارند، اگر زیر پا گذاشتن هر روزه و هر دقیقه ای قوانین اسلامی میان زنان و جوانان یک واقعیت جامعه ایران است، تنها بیانگر اینست که جمهوری اسلامی وصله ای ناجور به آن جامعه و تاریخ و آرمانها و تمایلات واقعی اش است.

الغای آپارتاید اسلامی، نفی و الغای کلیه قوانین تبعیض گر و ضد زن اسلامی، جارو کردن اسلام سیاسی از صحنه سیاست ایران و منطقه از اهداف و افقهای جنبش آزادی زن است. آخوندهای مرتجع اسلامی از وحشت تلمبار خواستهای زنان برای آزادی و برابری و رفع تبعیض به دست و پا افتاده اند. تکرار مکرر این سخنان ضد زن توسط سران رژیم اسلامی، بیانگر اینست که پادوهای خواهر زینب و حاج خانمهای شریک در دولت روحانی و اصلاح طلبان حکومتی نتوانسته اند زنان را به جمهوری اسلامی و کرامات دایناسور آیت الله ها امیدوار نگه دارند. این نشان شکست اسلام سیاسی در ایران در مقابل خواست برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی است. این بیانگر وحشت اسلامی در مقابل جنبش آزادی زن است که یک رکن برابری طلبی سوسیالیستی و یک ستون مهم جنبش برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی است. روزی که زنان در صف اول خیزش انقلابی با پائین کشیدن پرچم رژیم آپارتاید پایان ارتجاع ضد زن در ایران را اعلام کنند دور نیست. امروز باید این فسیلهای اسلامی فکری به حال خودشان بکنند.

\*\*\*

\* در همین زمینه به گفتگوی تلویزیون پرتو با آذر ماجدی روز سه شنبه 22 آوریل توجه کنید.

[www.partow.tv](http://www.partow.tv)

## در باره ترهات خامنه ای بمناسبت "روز زن اسلامی" ...

آورد البتّه با پرچم اسلام!! "میدانیم که موقعیت زنان باید تغییر کند" اما زنان باید صبر ایوب داشته باشند. ترهات طیف رفسنجانی - روحانی با ترهات خامنه ای یکی است. این دیگر بندبازی اسلامی و آخوندی است تا با ترسیم تفاوتهای میکروسکوپی بتوانند جنگ بقای نظامشان را پیش ببرند. توهم شان اینست که با این بند بازی ضد زن، توقع و خواست و مبارزه زنان را در چهارچوبهای قانونی و اسلامی قالب بزنند.

اظهارات اخیر سران رژیم اسلامی ممکن است عده ای خواهر زینب و آخوندهای کپک زده دستگاه اسلام را موقتاً راضی نگهدارد. اما تا به دهها میلیون زن و مرد برابری طلب برمیگردد، این ترهات اسلامی و ضد زن با نفرت از حاکمیت اسلامی و زیر پا گذاشتن شدیدتر قوانین و نرمهای اسلامی بدرقه خواهد شد. این اظهارات نه جدید است و نه اولین بار است که نقاره کشان جنبش اسلام سیاسی در جوامع اسلام زده تکرار میکنند. این خود اسلام و تمایلات و مکنونات قلبی آخوندهای مرتجع اسلامی است. اگر بدست خامنه ای ها و خمینی ها و رفسنجانی ها و خاتمی ها و روحانی ها بود، ایران را به افغانستان تبدیل میکردند. اینها از طالبان ها و القاعده ای ها چیزی کم ندارند. اگر بدست اینها بود و مقاومتی توده ای و مستمر در مقابلشان نبود، هویت و شخصیت اجتماعی زن را از صفحه روزگار پاک میکردند. اگر موفق نشده اند و هنوز با هزار و یک شیوه

اگر صورت ظاهر اظهارات سران رژیم را جدی نگیریم، بحث اساسی دعوای جناح ها و باندهای اسلامی است که بطور مشخص تر از دوران دوم خرداد برای بقای نظام در جریان است. بحث برسر موقعیت زن در جامعه، جایگاه حقوقی زن در پیشگاه قانون، موقعیت اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی زن، برخورداری از کار و شغل و کلا تصویری است که اسلام از زن دارد. خامنه ای که گوئی از گور تاریخ بیرون آمده است میگوید داشتن شغل و کار در جامعه برای زنان مسئله ای اسلامی نیست، بلکه "غربی" است! از نظر وی، زن باید شوهرداری کند و "خانواده اولویت زن" است. خانواده از نگاه خامنه ای نیز چیزی جز شوهرداری و خانه داری و بچه داری و آشپزی و رفت و روب و تر و خشک کردن مرد خانه نیست. خامنه ای البتّه خودش را به نفهمی میزند و صرفاً آرزوهای ارتجاعی و اسلامی خویش را بیان میکند تا توحش اسلامی ضد زن و نرخ بیکاری بالای پنجاه درصد برای زنان را توجیه کند. وگرنه چه کسی نمیداند که موقعیت واقعی زن در جامعه و از دید خود زنان و شهروندان جامعه ایران با موقعیت زن از منظر قانون تفاوتش آسمان تا زمین است. زن از منظر قانون اسلامی در رده احشام است، اما نگاه زن به خویش و نگاه جامعه به وی و زندگی واقعی زنان، تماماً در مقابل موقعیت حقوقی ای است که توسط اسلام به زن تحمیل شده است.

رفسنجانی و روحانی نیز تلاش دارند بازیگر پرده دوم این سیرک مضحک و اسلامی ضد زن باشند. آنها میگویند خیر، "زن و مرد برابرند البتّه با حفظ شئونات اسلامی و حجاب و عفاف!" "امام زنان را به جامعه

**برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد!**

## درسی که از مردم آزادیخواه مهاباد باید گرفت!



نوشین قادری

هلاله محمد زاده محکوم به اعدام آزاد شد و مردم امروز زندگی اش را تامین کردند

### گفتگوی نوشین قادری با یک منبع مطلع در خصوص آزادی هلاله ، زندانی محکوم به اعدام در شهر مهاباد

هلاله با زنی در زندان آشنا میشود . خانم وکیلی که به دلایلی به زندان افتاده بود. این وکیل پس از آزادی ، حیات را به هلاله محکوم به



اعدام باز می گرداند و جلوه ایی از اتحاد و همبستگی مردم را در دفاع از حق حیات و کرامت انسانی، در مقابل جنایت و انسان کشی به نمایش می گذارد. هلاله به جرم قتل فردی که قصد تجاوز به او را داشته است به زندان می افتد و در آستانه اعدام بوده است . نهایتاً پس از چند سال خانواده مقتول راضی میشوند که در ازاء پرداخت 90 میلیون تومان دیه ، هلاله را ببخشند. وکیل هلاله فقط چند روز وقت دارد تا 90 میلیون تومان به حساب خانواده مقتول واریز کند در غیر اینصورت هلاله اعدام میشود . با تلاشهای انجام شده توسط وکیل و برخی اشخاص خیر، حکم اعدام هلاله چند روزی به تعویق می افتد ، فرصت مناسبی است برای وکیل او(مریم ق) که به جامعه مراجعه کند. آنگونه که این منبع برای من بازگو کرد لحظات به تندی میگذشت . هیات امنایی تشکیل میشود تا همراه با وکیل هلاله ماجرا را به اطلاع جامعه برسانند و مبلغ دیه را جمع آوری کنند. کمپین نجات جان هلاله و جمع آوری مبلغ مورد نیاز با مراجعه به جامعه، آغاز میشود.

هلاله از خانواده فقیر نشین بود که امکان پرداخت چنین مبلغی را نداشتند. بنا به گفته همین شخص هر جایی که مراسم و یا مناسبتی به هر دلیلی از جمله عروسی ، عزاداری ، مراسم های مذهبی و غیره در سطح شهر مهاباد برگزار میشد هیات امنای آنها وکیل هلاله آنجا حاضر بود و با بازگویی کل ماجرا از مردم طلب همکاری می کرد . "در عروسی ها وکیل هلاله میکروفون خواننده را از آنها می گرفت و در خصوص هلاله ، داستان زندگی و سرنوشتش صحبت و درخواست کمک مالی می کرد". اغلب مردم شهر به گرمی از این اقدامات حمایت کردند و به کمپین اعدام نشده هلاله محمد زاده و جمع آوری 90 میلیون تومان کمک مالی برای آزادی و رهایی او می پیوستند (کمپین کمکهای مالی به هلاله محمد زاده).

مساله هلاله به سطح اینترنت و فیس بوک کشیده میشود ، این مساله موجب جمع آوری کمکهای بیشتر از طریق شماره حساب اعلام شده از شهرهای مختلف میشود. بنا به گفته این منبع ، میزان کمکها و پیوستن مردم به این کمپین به گونه ای بود که برای ما قابل باور نبود تا جایی که در ظرف مدت کوتاهی مبلغ مورد نیاز جمع آوری شد. مردم شهر مهاباد در این کمپینی که بسیاری از ماها شاید حتی در جریان آن نبودیم درسها و تجارب مهمی به همگان دادند. جنبش گسترده فی الحال موجود عمیقاً انسانی علیه اعدام را به رخ حاکمیت اسلامی کشیدند .

بنا بر خبر درصد بالایی از کمکهای مالی جمع آوری شده را مردم فقیر و کم درآمد جامعه جمع کردند . از زن سرپرست خانواده ایی که میگوید من پنجاه هزار تومان پول دارم ، همه این پول را برای آزادی هلاله می دهم فردا هم خدا بزرگ است ،!!! گرفته تا کمکهای

مالی یک هزار و ده هزار تومانی کارگران روز مزد. و اما این کمپین آزادی هلاله و جمع آوری کمک مالی برای

## درسی که از مردم آزادیخواه مهاباد باید گرفت!

گفتگوی نوشین قادری با یک منبع مطلع در خصوص آزادی هلاله ، زندانی محکوم به اعدام در شهر مهاباد ...

بررسی پرونده تا جمع آوری کمک مالی و آزادی او بدون مراجعه به مردم و جامعه امکان پذیر نمی بود ، و اما نکته درد آور تر از همه در کمپین نجات جان هلاله ، عدم حمایت کسانی است که در خارج از کشور هستند و بنا بر گفته همین منبع با "وجود علنی شدن درخواست کمک مالی برای نجات جان هلاله حتی یک دلار! کمک مالی از خارج از کشور ارسال نشد و این در حالی است که اگر ایرانیان مقیم خارج که در جریان کمپین جمع آوری کمک مالی برای هلاله بوده اند فقط نفری 10 دلار به این کمپین کمک میکردند در همان روزهای اولیه چند برابر مبلغ مورد نیاز کمک مالی جمع میشد".

کمپین نجات جان هلاله و امروز آزادی و حیات هلاله حاوی تجارب و درسهای مهمی برای همه ماست. برای درک بیشتر ، عمیق تر از جامعه ایران ، برای دخالت، کمک و همکاری بیشتر با فعالین جنبش علیه اعدام و نهایتا تلاش گسترده تر برای رهایی جامعه ایران از چنگال حاکمیت سیاه اسلامیست. \*

گزارش شده است که ۳۵۰ تن از کنشگران ملی - اسلامی جنبش حقوق زن یک بیانیه تنظیم و منتشر کرده اند که حاوی ۷ خواست است؛ این بیانیه خطاب

و حل آن در جامعه را نداده و نخواهد داد و همین مساله باعث گشته تا این بخش از مردم قدرت تشخیص واقعیت نامالایمات اجتماعی و مشخصا چند و چون و تحلیل چرای یه خلق قاتل در جامعه را درک و بفهمند". تقصیری هم ندارند حاکمیتی که مجازات قاتل را بر عهده خانواده مقتول میگذارد جامعه را به سمت فرهنگ جرم و جنایت و چشم در مقابل چشم سوق میدهد و از قربانی قاتل میسازد.

بنابر گفته همین منبع بخشهایی از کمک مالی جمع شده توسط مردم پس از آزادی هلاله به او داده شد تا به زندگی اش باز گردد. هلاله محمدرزاده دو پسر و یک دختر دارد که امروز به یمن تلاش گسترده مردم شهر مهاباد و شهرهای اطراف و در راس آنها وکیل او همراه مادرشان هستند ، مادری که خود از سنین کودکی مادرش را از دست داده و در سخت ترین شرایط زندگی از نظر اقتصادی و اجتماعی زندگی کرده و درست به همین دلایل نابسامان اجتماعی مرتکب قتل شده و سیزده سال از زندگیش را در زندان سپری کرده است.

دختر هلاله نامزدی کرده است و امروز خوشبختانه مادر او در جشن عروسیش حاضر خواهد بود. این منبع می افزاید که نجات جان هلاله در تمامی مراحل

آزادی او حاوی نکات زجر آوری از شرایط جامعه ایران نیز بود! بنابر گفته همین منبع، "بسیاری مردم بودند که هلاله را لایق مرگ میدانستند، حتی با وجود صحبتهای بسیاری که با آنها در خصوص شرایط فرهنگی مردسالارانه و ضد زن حاکم بر جامعه ایران میکردیم ، باز هم هلاله را بیشتر از حاکمیت اسلامی ایران محکوم به مرگ میدانستند" و به قول همین منبع "مقصر زن ستیزی در جامعه را خود زنان میدانستند، زنانی که هرزه هستند!!!!". "یقینا در کنار هزاران انسانی که برای آزادی هلاله و نجات جان یک انسان که او را نمیشناختند و فقط می دانستند که به جرم قتل محکوم به اعدام شده است تلاش می کردند و ماهیت واقعی انسان گرایی جامعه ایران را نمایندگی می کنند ، این مساله نقطه تلخ و تاریک این کمپین بوده است که جای تعمق فراوان دارد.

همین منبع به درستی در این خصوص میگوید که "متأسفانه برخی از مردم محکومیت بی دلیل خود را قبول کرده اند و به آن گردن می نهند ، تا جایی که فراتر از قانون ارتجاعی جمهوری اسلامی هلاله را محکوم به مرگ میدانستند و آزادی او را جنایت!!!!"، همین منبع می افزاید که "این همان چیزی است که حاکمیت اسلامی جرم و جنایت میخواد ، هیچ گاه به مددکاران و مشاورین اجتماعی اجازه بررسی این مساله

**تقابل با اسلام سیاسی یک جبهه مهم جنبش آزادی زن است!**



## بیانیه «هم اندیشی زنان برای طرح معیار انتخاب وزرای آینده» آب در هاون کوبیدن یا توهم پراکنی!

آذر ماجدی

معیارهای گزینش وزرا از سوی رئیس جمهوری را منعکس کنیم، زیرا ... با انتخاب وزرای دولت آینده به نوعی میزان تحقق پذیری وعده های انتخاباتی خود در مورد مطالبات زنان را نشان خواهد داد.

توجه کنید! این کنشگران می خواهند به مردم بقبولانند که از طریق انتخاب «مدیران کلان» می توان خصلت ذاتی رژیم را تغییر داد. گویی تاکنون فقط مدیران کلان مشکل را بوده اند، وگرنه خمینی، رفسنجانی، خامنه ای، خاتمی، موسوی، کروبی، لاجوردی، گنجی، سازگارا خود روحانی و قس علیها از مدافعین برابری زن و مرد هستند. یعنی رئیس روسا و کار بدستان اصلی رژیم اسلامی خواهان رفع تبعیض و خشونت از زنان هستند و این مدیران کلان هستند که مانع برابری زن و مردند. اصلا سنگسار و صیغه، تعدد زوجات، آپارتاید جنسی و حجاب اسلامی همه و همه زیر سر «مدیران کلان» است! جل الخالق! به این همه دغل بازی و مردم را نفهم فرض کردن چه باید گفت؟ تازه جالب است می فرمایند که این حرکت را برای این آغاز کرده اند تا «حساسیت جامعه ی زنان ایران» را منعکس کنند. و این «حساسیت» درست در شرایطی دارد منعکس می شود که

صفحه 7

پیشروی این جنبش از نظر سیاسی با بیرق حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی انجام گرفته است و در هر گوشه ای که در قدرت سهیم شده این دو رکن را بر جامعه تحمیل کرده است. با این حساب درخواستنامه به درگاه این رژیم چه نقشی می تواند داشته باشد، جزء تلاش برای توهم پراکنی و ایجاد یک کورسو که هنوز می توان به اصلاحات در این رژیم امید بست؟! اگر در سال ۱۳۷۶ می شد چنین تقلاهایی را نتیجه توهم این گرایش دانست، اکنون بر همگان روشن است که چنین حرکتی نه نتیجه توهم، بلکه بخاطر ایجاد توهم انجام می گیرد.

جا دارد به بخش هایی از این بیانیه نگاهی بیاندازیم:

«ما، جمعی از زنان فعال ایران که در طول انتخابات تلاش کردیم تا با طرح مطالبات زنان در فضای انتخابات، منعکس کننده ی بخشی از مطالبات زنان، از جمله ... رفع هرگونه تبعیض و خشونت علیه زنان باشیم، امروز بر آن شده ایم که به منظور پیگیری مطالبات زنان، حرکتی را برای افزایش نظارت مردمی بر انتخاب مدیران کلان کشور آغاز کنیم.»

«این حرکت را آغاز کرده ایم تا حساسیت جامعه ی زنان ایران به

به روحانی نوشته شده است. در شماره های پیش آزادی زن به تقلاهای این دسته از کنشگران برخورد کردیم؛ تلاش های پیش و بعد از مضحکه انتخاباتی بقول خودشان «برای طرح مطالبات زنان» را افشاء نمودیم. این بیانیه ظاهرا پس از جلسات متعدد و شور و مشورت تهیه شده است.

اسامی طرفداران رژیم اسلامی در داخل و خارج کشور، تمام کسانی که بطرق مختلف برای بقای این نظام زن ستیز تلاش کرده اند، در میان امضاء کنندگان است. نگاهی به این مطالبات که ظاهرا بعنوان مطالبات زنان ایران فرموله شده است، انسان را بهت زده می سازد. در نگاه سطحی و اول انسان هاج و واج می ماند که این افراد در کدام کره زندگی می کنند، آیا رژیم اسلامی را نمی شناسند؟ آیا تاریخ سی و چند سال گذشته را نمی دانند؟ آیا روحانی برایشان ناآشنا است؟ آیا در دوران دو خرداد چنین کارهایی را آزمایش نکردند و سرشان به سنگ نخورد؟ از آنجا که پاسخ تمام این سوالات مثبت است، باید نیت شان را از این تقلا بررسی کرد.

این جماعت هم و غم شان دفاع از رژیم اسلامی است. از یک خانواده اند. امر اینها برابری زن و مرد نیست. آخر کیست که نداند این رژیم تا مغز استخوان زن ستیز است. نه تنها ایدئولوژی، یعنی اسلام، یک ایدئولوژی ضد زن است، بلکه همچنین

قرار است در جامعه توهم پراکنی کنند؛ این تصور را ایجاد کنند که رژیم اسلامی اصلاح پذیر است و آنهم نه اصلاحات کوچک و جزئی، بلکه قادر است از زنان رفع تبعیض و رفع خشونت کند. بعلاوه، با چنین بیانیه ای و طرح چنین خواستهایی قرار است از روحانی تصویر یک امامزاده برابری طلب و مدافع حقوق زن و خواهان رفع تبعیض و خشونت از زنان بدهند. یکی از محصولات جانبی این بیانیه فراخوان پوشیده به مردم و زنان آزادیخواه به سکوت و صبر است. دارند می گویند: “گر صبر کنی ز غوره حلوا سازم!” دروغ های این بیانیه آنچنان بزرگ است که اگر مردم یک در صد آنرا نیز باور کنند یک کلاه بزرگ سرشان رفته است.

این جریان را باید وسیعاً افشاء کرد. اینها مدافع آزادی و برابری زنان نیستند؛ اینها آزادیخواه و برابری طلب نیستند؛ اینها طرفدار رژیم اسلامی اند و تمام هم و غمشان حفظ این نظام است. حالا یا نانشان از طریق این رژیم تامین می شود یا دنبال صواب و بفکر آخرت هستند، ما وارد این مقولات نمی شویم. اما باید گفت که این تیری در تاریکی است که به قلب خودشان فرود خواهد آمد. مردم ذره ای توهم به این رژیم ندارند. مردم می خواهند سر به تن این حکومت نباشد. مردم در حال دفع این نظام جنایتکار و ضد زن هستند. مردم از هر فرصتی برای به زیر کشیدن این رژیم استفاده می کنند. جنبش آزادی زن چهره دروغین و ارتجاعی کنشگران ملی - اسلامی مدافع رژیم اسلامی را

صفحه 8

## بیانیه “هم اندیشی زنان برای طرح معیار انتخاب وزرای آینده”

### آب در هاون کوبیدن یا توهم پراکنی! ...

گونه تبعیض علیه زنان پایبند باشند.”

این بیانیه به یک فکاهی نامه یا طنز شباهت بیشتری دارد تا یک بیانیه سیاسی. فقط یک لحظه فکر کنید اینها از روحانی می خواهند که “مدیران کلان” را از میان برابری طلبان، کسانی که به برابری زن و مرد و رفع خشونت از زنان و همچنین رفع موانع فعالیت های اجتماعی و مدنی و کاهش فقر و غیره متعهد باشند، انتخاب کند. چنین خواستی را از کسی طلب می کنند که از روز نخست در کنار خمینی و از کار بدستان رژیم بوده است، از کسی که در طول جنایات وحشیانه و گورهای دستجمعی دهه ۶۰ در راس امور بوده، در سرکوب خشن، در سنگسارها، اعدام ها فقر و گرسنگی به مردم تحمیل کردن در زمان تجاوز و شکنجه سازمان یافته، در سرکوب وحشیانه کردستان، همیشه و همواره یکی از کار بدستان بالای نظام بوده است. آدم نمی داند که به این حرکت بکنند یا گریه سر دهد. آیا اینها دچار روانپریشی شده اند، یا مردم را دیوانه و بی عقل فرض کرده اند؟ باید گفت اگر روحانی می خواست و می توانست چنین افرادی را به مدیریت کلان بنشانند، ابتدا برای خود فکری می کرد. فایده این بیانیه را در بالا ذکر کردیم.

زنان دارند امور را بدست خود می گیرند و طی یک هفته دو مورد از نشانند سر جای زنان مامور امر به معروف بدست زنان جوان، انتشار گسترده یافته است.

ضمناً اینها، هم در این بیانیه و هم در گزارش یکی از نشست هایشان که فائزه رفسنجانی هم در آن شرکت داشت، به وعده های روحانی در مورد حقوق زنان اشاره دارند. ما که در اینمورد از این امامزاده معجزه ای ندیدیم. از این کنشگران عزیز باید درخواست کرد که یکبار وعده های این آخوند همواره یار امام را برای اطلاع فعالین آزادی زن و مردم منتشر کنند.

این بیانیه از روحانی می خواهد که “معیارهای برابری طلبانه ی جنسیتی در درون معیارهای عینی شایسته سالاری لحاظ شود.” معنای این بند مُلغَز چیست؟ در بند ۱ بیانیه متوجه می شویم. این بند یک شاهکار بزرگ شامورتی بازی است: “ما افرادی را شایسته ی حضور در کابینه می دانیم که نه تنها سابقه ی گفتار، رفتار و عملکرد زن ستیزانه در کارنامه ی خود نداشته باشند و زنان را شهروند درجه دوم تلقی نکنند، بلکه برابری حقوقی زن و مرد را به رسمیت بشناسند... ” و در بند ۲ ادامه می دهند: افرادی که به “رفع تبعیضهای جنسیتی التزام داشته باشند و متعهد شوند که در برنامه های خود به از میان برداشتن هر

حقوق برابر زن و مرد در ازای کار مشابه!



بیانیه "هم اندیشی زنان برای طرح معیار انتخاب وزرای آینده"

آب در هاون کوبیدن یا توهم پراکنی! ...

افشای و برملا خواهد کرد\*.

۲۰۱۳-۰۷-۲۸

اظهارات خامنه ای و روحانی بمناسبت "روز زن اسلامی" سند شکست حرکت ارتجاعی موسوم به "جنبش مطالباتی" و "بیانیه هم اندیشی" زنان اسلام زده در باره احقاق حقوق زن در چهارچوب جمهوری اسلامی است. این مطلب را برای افشای ماهیت جریان اصلاح طلب حکومتی محدد منتشر میکنیم.

آزادی زن نشریه سازمان آزادی زن

[www.azadizan.net](http://www.azadizan.net)

سردبیر: آذر ماجدی

[majedi.azar@gmail.com](mailto:majedi.azar@gmail.com)

هینت تحریریه: آذر ماجدی، مریم کوشا، سیاوش دانشور

## زنده باد اول مه، روز جهانی کارگر!

فعالین آزادی زن!

کلیه انسان های آزادیخواه و برابری طلب باید در این جشن آزادیخواهی شرکت کنند. باید با فریاد های نه به استثمار، نه به ستم، نه به فقر، نه به تبعیض، نه به حجاب و نه به آپارتاید جنسی در این روز صف قدرتمند خود را در مقابل ارتجاع اسلامی به نمایش درآوریم. جنبش آزادی زن یکی از ارکان اصلی مبارزه برای یک دنیای بهتر و علیه ارتجاع اسلامی است. جنبش آزادی زن باید در اول ماه مه در کنار جنبش کارگری و در پیشاپیش صفوف، با شعارهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه حضور داشته باشد. پیروزی بر ارتجاع و جهل و سرکوب با همبستگی و اتحاد کلیه جنبش های آزادیخواه و برابری طلب امکان پذیر است. صف آرای پر قدرت ما در این روز نوید بخش آزادی و برابری و یک دنیای آزاد، مرفه و سعادت مند، یک دنیای بهتر است.

سازمان آزادی زن اول ماه مه را به طبقه کارگر و کلیه انسان های آزادیخواه و برابری طلب تبریک میگوید.

به سازمان آزادی زن پیوندید!